

هویت

الکس موچیلی

مترجم: سهیلا صانع پور



هویت: آکس موجیلی. مترجم: سهیلا صانع پور.
 مشخصات نشر: تهران: دانه، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص؛ جدول؛ قطع رقی
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۰-۲۸۰-۳
 عنوان اصلی: L'identité, 1986.
 یادداشت: واژه‌نامه. نمایه.
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۲۶] - ۱۲۹.
 موضوع: هویت (روان‌شناسی)
 موضوع: Identity (Psychology)
 شناسه افزوده: صانع پور، سهیلا، ۱۳۳۵ - مترجم
 رده‌بندی کنگره: BF۶۹۷
 رده‌بندی دیویی: ۱۵۵/۲
 شماره کتابخانه ملی: ۷۵۰۳۶۷۷
 وضعیت رکورد: فیبا

هویت

آکس موجیلی

مترجم: سهیلا صانع پور

مدیر تولید: داریوش سازمند

صفحه‌آرایی: ماهان همدی / تصویرسازی جلد: Max de Larminat

ناشر: دانه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شریف

شمارگان: ۵۵۰ نسخه / قطع: رقی

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۰-۲۸۰-۳

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تهران: خیابان استاد مطهری-خیابان سلیمان خاطر (امیراتابک)، کوچه اسلامی، شماره ۴/۲

کدپستی: ۱۵۷۸۶۳۵۳۱ تلفن: ۸۸۸۴۶۱۴۸-۸۸۸۴۲۵۴۳ تلفکس: ۸۸۸۱۲۰۸۳

فروشگاه اینترنتی دانه: www.danjehpub.com

فهرست

پیش‌درآمد.....	۵
فصل اول: مبانی هویت روان‌شناسی اجتماعی.....	۳۹
فصل دوم: هویت‌های روان‌شناسی اجتماعی گوناگون.....	۸۱
فصل سوم: مشکلات و بحران‌های روانی اجتماعی هویت.....	۹۷
منابع.....	۱۲۶
واژه‌نما.....	۱۳۰
موضوع‌نما.....	۱۳۱
نام‌نما.....	۱۳۴

پیش درآمد

الف) هویت در علوم انسانی

۱. هویت و الگوواره پیچیدگی

پیش‌درآمد این اثر تلفیقی درباره هویت چندمین تلفیق و مدون‌سازی عام از متون مکتوب درباره هویت در بیش از پنجاه سال اخیر نیست. درواقع، خواست ما تکرار مبانی ژنتیکی، زیست‌شناختی، روان‌شناختی، ارتباطی، یا فرهنگی، که تاکنون خوانده و بازخوانده شده است، نیست. هدف چیزی فراتر از این چندپاره کردن رویکردها و تعریف‌های هویت است. برای همین، تلاش خواهیم کرد تا مفهوم را از نو در الگوواره جدید علوم انسانی، «الگوواره پیچیدگی»^۱ قرار دهیم و دیدی کلی و نوین از پدیده هویت ارائه کنیم که بتواند با دربر گرفتن تنوری‌های گوناگون و تعریف‌های شناخته‌شده از هویت، از آن‌ها نیز فراتر رود.

بر این اساس، نشان خواهیم داد که مبانی هویت یک بازیگر اجتماعی برای دیگر بازیکنان اجتماعی (یا برای خود او) در هویت همین دیگر بازیکنان (یا در هویت همان بازیگر اولی) یافته می‌شود. این طرح پیشنهادی^۲، نه

1. paradigme de la complexité

2. proposition

این همان گویی^۱ و نه شعبده‌بازی روشنفکرانه، بلکه حاصل بسیار پر معنایی از تئوری‌های پیچیدگی مانند ساخت‌گرایی^۲ و نظام‌گرایی^۳ کاربردی در علوم انسانی است.

از پنجاه سال پیش تاکنون، همه کتاب‌ها و مقاله‌هایی که به موضوع هویت پرداخته‌اند، هم نزد عموم و هم در نزد کارشناسان علوم انسانی، دستانداران بسیاری پیدا کرده‌اند (در سال ۱۹۵۰، اریکسون با کتاب کودک و اجتماع این مفهوم را به علوم انسانی وارد کرد) و از آن پس، روند رو به موفقیت آن شتاب بیشتری یافته است و هر ساله می‌توان نزدیک به ده کتاب و بیست مقاله را برشمرد که به این مطلب می‌پردازند.

تفسیری که غالباً از این پدیده ارانه می‌دهند این است که کشش به‌سوی هر آنچه از هویت سخن می‌گوید از تزلزل کنونی افراد و فرهنگ‌های جمعی برخاسته است مبنی بر اینکه شاید بر اثر تغییرات گوناگون محیط زیست، که خود دستخوش شتاب تکنیک‌های پسانوگرا شده‌اند، بیانگر هویت‌های فردی و جمعی آسیب‌دیده باشند. شاید به همین دلیل است که اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها، و نهادها به دنبال نشانگرهای تازه بوده‌اند و شاید در این زمینه، هر اندیشه‌ورز و هر طبع و نشری بتواند همچون درمانی برای این تزلزل‌ها عمل کند.

این نوع واکاوی بسیار مثبت‌گرا بوده است و در قالب علیت خطی^۴ جای می‌گیرد، به این معنی که یک یا چند علت یک نتیجه به‌بار می‌آورد. ولی بسنده کردن به این توضیحات ساده در علوم انسانی به‌مرور کمتر و کمتر می‌شود.

آنچه مسلم است این‌که در حال حاضر، مفهوم هویت هنوز تثبیت نشده است. این مفهوم در علوم انسانی مشکل‌ساز شده است و در پی تلاش برای

1. tautologie
2. constructivisme

3. systémisme
4. schéma de causalité linéaire

ارائه تعریف دقیق از آن، هر کارشناسی دست به نوشتن می برد و همین امر، در جهت روشننگری و تعریف مفهوم آن، باعث شده است تا متون فراوانی در این زمینه منتشر شود. در برابر این تعداد رویکرد و تلاش برای جمع بندی مفهوم هویت، عامه مردم نیز همانند بسیاری از کارشناسان گمراه شده اند.

به جای تلاشی نو در فرمول بندی آنچه تاکنون درباره این مفهوم شناخته ایم، از خوانندگان می خواهیم با کمی فاصله، از جایگاه معرفت شناختی^۱ به آن بنگرند. منظور این است که ابتدا به مشکلی بیندیشیم که در پیوند با مفاهیم گوناگون هویت است، و از خود پرسیم چگونه است: می توان این همه تعریف ارائه داد - که لزوماً با یکدیگر همخوانی ندارند، اما به دید ما درست می آیند - بدون اینکه چیزی از مشکل کاسته شود؟

۲. تعدد تعریف رشته های علمی از هویت

به یاد داشته باشیم که هر دانشی به دنبال قابل فهم کردن پدیده ای است که بررسی می شود. قابل فهم کردن یک پدیده به معنای مفهوم دهی به آن در بستر شناخت های به دست آمده و گردآوری شده قبلی در نظریه های پیشین است. بدین گونه است که حرکت یک الکترون در میدانی مغناطیسی در ارتباط با نیروی وارد شده بر آن فهمیده می شود، همان نیروهایی که پیش از این در نظریه الکترودینامیسم ثابت شده اند. پس آنچه باید از همان سر آغاز استدلال در نظر داشت این است که مفهوم هر پدیده «ساختی انسانی» است که با ارجاع به «بستری علمی» ساخته و پرداخته می شود و در «نظریه» نمود می یابد.

از این جاست که به اشتباه دانشمندانی پی می بریم که می کوشند برای هویت، نوعی «واقعیت» بیابند؛ مفهومی که اینان برای هویت خواهند یافت، به مراجع نظری ای وابسته است که آگاهانه یا ناآگاهانه از آن ها، برای ساختی قابل فهم از این پدیده، بهره جسته اند.